



تغییرات سهم مالیات‌های مستقیم و غیر مستقیم، ۱۳۳۸ - ۱۳۷۹

سؤال؟ تفاوت مالیات مستقیم و غیرمستقیم چیست؟

فرق این دو مالیات به پرداخت کننده نهایی برمی گردد، بدین مفهوم که افراد و واحدهای اقتصادی در هنگام پرداخت مالیات مستقیم از میزان آن کاملاً اطلاع دارند و در غیر مستقیم اینطور نیست.

نوع مالیات	درصد از کل درآمد مالیاتی
مستقیم	۵۲/۷٪
۱- مالیات بر شرکتها	۳۰/۱۵٪
۲- مالیات بر درآمد	۱۵/۷٪
۳- مالیات بر ثروت	۶/۱۵٪
غیرمستقیم	۴۷/۳٪
۴- مالیات بر واردات	۳۴٪
۵- مالیات بر کالاها و خدمات	۱۳/۲٪

طبقه بندی درآمد مالیاتی در قانون بودجه ۱۳۸۱

۳- اصول مالیات

- بطور کلی مقدار مالیاتی که اخذ می‌شود اهمیت دارد و می‌بایست سه هدف کارایی، عدالت و اخلاق در آن مورد توجه باشد.

- روشهای اخذ مالیات و تعیین سهم اثرات گوناگونی بر افراد، تولید، اشتغال و نابرابری درآمدهای جامعه دارد.

- اینکه دولت به چه نحو مالیات بردرآمد یا سود از شرکتها یا کشاورزان یا صنعتگران یا کارمندان و حقوق بگیر ثابت اخذ کند بسیار مهم بوده و اعمال و رعایت اصولی صحیح که به عادلانه و کارا بودن مالیات و ارزشهای اخلاقی به دولت کمک می‌نماید ضروری است.

- در مورد نحوه اخذ مالیات اصول زیادی وجود دارد؛ اصل درآمد-عدالت-شخصی ساختن مالیات-بهای پرداخت-مطلوبیت و ... از میان آنها دو اصل منفعت و اصل توانایی و پرداخت را شرح می‌دهیم.

الف - اصل منفعت:

- یعنی هر فرد به نسبت بهره ای که از کالاها و خدمات عمومی می برد
قیمت آن یا مالیات بیشتری پرداخت نماید.
- بهره گیری افراد از اکثر کالاها و خدمات عمومی یکسان نیست ولی پرداخت مالیات توسط این افراد تقریباً یکسان است.
- اگر عرضه کالا یا خدمات دولت ماهیت خصوصی داشته باشد اعمال اصل منفعت در آن عملی خواهد بود. مانند عوارضی اتوبان و خروج از کشور.
- مالیات گیری طبق اصل منفعت یکی از مهمترین وظائف دولت را که کاهش نابرابری و تأمین عدالت است، نقض می نماید. مانند آموزش و بهداشت عمومی.

ب- اصل توانایی پرداخت:

- یعنی مقدار مالیاتی که مردم پرداخت می کنند همراه با زیاد شدن در آمد و ثروت افزایش یابد. (از لحاظ فلسفی، جهان بینی و اسلام صحیح است چون اسلام خواهان عدالت می باشد.)

- بنا به تعریف دیگر یعنی گروهی از افراد جامعه که توانا و متمول هستند مالیات بیشتر و گروهی دیگر از افراد که ناتوان و از نظر مالی کم در آمد و حقوق ثابت دارند کمتر مالیات پرداخت نمایند.

- امروز اسلام نیز بر اساس اصول اعتقادی بر این موضوع تاکید دارد - انسان ها در آفرینش یکسان خلق شده اند. اما از لحاظ توانایی، خلاقیت، تلاش و کار و بهره برداری و منفعت از طبیعت با یکدیگر متفاوتند.

- اگر همه افراد که حق بالقوه یکسان دارند، قدرت مساوی نیز داشتند، منابع طبیعی و زمین بین آنها بطور مساوی تقسیم می‌شد. در حالی که توانایی آنها متفاوت بوده و به همین دلیل سهم بالفعل آنها مساوی نخواهد بود. (پس در پرداخت مالیات نیز همینطور می‌باشد)

- در مجموع می‌توان گفت: یکی از عوامل افزایش در آمد افراد و موسسات بهره‌گیری از نهاد های موجود جامعه است، لذا هر کسی در آمد بیشتری کسب می‌نماید در واقع سود بیشتری از این نهاد ها و دولت می‌برد، بنابراین بدیهی است که باید سهم بیشتری در تامین هزینه های تولید و کارکرد و بقای این نهاد به عهده بگیرد. (با پرداخت مالیات بیشتر)

مطابقت احکام مالی اسلام با اصل توانایی پرداخت

- ۱- مالیاتهای ثابت اسلام (خمس و زکات) بر کسانی وضع شده که بیشتر از حد معینی ثروت و درآمد دارند.
- ۲- کسانی که ثروت و درآمد آنها به حد نصاب نمی رسد تکافوی هزینه های زندگی را نمی کند از پرداخت خمس و زکات معافند) توانایی پرداخت لحاظ شده است)
- ۳- مصرف خمس و زکات برای تولید کالا و خدمات و ارایه به عموم جامعه بوده و حتی افرادی هم که خمس و زکات بدلیل ناتوانی پرداخت نکردند، بهرمنده می شوند.
- ۴- بخشی از خمس و زکات برای کاهش نابرابری و حذف فاصله طبقاتی است (یعنی توزیع مجدد درآمد در جامعه)
(از توانگران به فقرا می باشد)